

بهره‌وری در مدارس

بسیاری از محدودیت‌ها حاصل نوع نگاه ماست

سعیده باقری

تلاش فراوان و جذب کمک‌های والدین با هزار زحمت یکی از کلاس‌های هر یک از پایه‌های خود را به کلاس هوشمند تبدیل می‌کند، برای مدرسه خود چه حاصلی برداشت خواهد کرد؟ آیا چیزی بیش از پدیدآوردن احساس تبعیض و بغض بیشتر در دانش‌آموزانی که تا به حال حداقل در داخل مدرسه، احساس یکرنگی بیشتری با هم داشتند؟ به این نکته استفاده کم و محدود و اغلب نمایشی و غیرضروری از تخته‌های هوشمند کلاس‌ها را نیز اضافه کنید! مفیدترین استفاده‌ای که معمولاً از تخته‌های هوشمند می‌شود، نمایش فیلم‌های آموزشی است. امکانات و نرم‌افزارهای مبتنی بر ویژگی تعاملی تخته‌ها معمولاً بسیار کم مورد استفاده قرار می‌گیرد. من با استفاده از فناوری‌های روز مشکلی ندارم، اما این کار با خرید یک ویدئو پروژکتور و پرده سیار برای کل مدرسه و انتقال آن به هر کلاسی که نیازمند نمایش فیلم است، امکان‌پذیر است. کافی است در همان لحظه‌ای که تصمیم می‌گیریم بودجه محدود مدرسه را صرف خرید امکاناتی برای بخشی از دانش‌آموزان مدرسه کنیم، فکر کنیم چگونه می‌شود همان بودجه را طوری هزینه کنیم که برای کل دانش‌آموزان مدرسه مفید فایده باشد!

برای مثال، می‌توان با طرح مسئله «لزوم توجه به مصرف بهینه برق و آب و حفاظت از محیط زیست، با همین بودجه طرحی پیشنهاد کنیم که مدرسه، به جای تبدیل شدن به مدرسه هوشمند یا نیمه هوشمند» به مدرسه دوست‌دار محیط زیست تبدیل شود. به‌طور مثال، تعویض شیرآلات مدرسه و تبدیل تمام آن‌ها به شیرهای کم‌مصرف، بازیافت آب و استفاده از آن برای شست‌وشو و

شاید به جرئت بتوان گفت مدارس دولتی شهرهای بزرگ محروم‌ترین مدارس کشور هستند! از جمله اینکه سرانۀ دانش‌آموزان آن‌ها تفاوتی با سرانۀ مدارس دولتی در شهرهای کوچک و روستاها ندارد. علاوه بر اینکه به محرومیت این مدارس در برابر امکانات و شرایط ظاهری مدارس غیردولتی که در نزدیکی همین مدارس، فعال هستند باعث می‌شود بضاعت محدود این مدارس، از آنچه هست نیز محدودتر به نظر برسد. اگر بحسب اتفاق خانواده‌هایی در میان اولیا باشند که توان، و البته تمایل کمک مالی به مدرسه را داشته باشند، دست مدیر مدرسه در صرف بودجه تا حدی بازتر خواهد بود در غیر این صورت، مدرسه با دردهای ناشی از کمبود بودجه و تبعات آن مواجه است!

با این حال بیابید کمی خوش‌بینانه به این مسئله توجه کنیم: بودجه مدارس محدود است. بله محدود است؛ اما این ما هستیم که با نوع نگاهمان می‌توانیم آن را وسعت بخشیم و یا برعکس، آن را محدودتر کنیم. عموماً صرف بودجه برای مسائل غیرضروری هزینه‌بر که از نظر فرهنگی هم چندان تأثیری در دانش‌آموزان ندارند، بودجه مدرسه را به هدر می‌دهد. به‌طور مثال دعوت کردن از گروه‌های نمایش و اجرای حرفه‌ای برای برگزاری جشن‌ها در مدرسه نتیجه فرهنگی ناچیزی برای مدرسه دارند، در حالی که همان جشن می‌تواند بدون صرف آن هزینه‌ها، با هنرمندی دانش‌آموزان مدرسه برگزار شود تا علاوه بر فراهم کردن یک روز متفاوت، زمینه‌ای برای رشد فرهنگی و هنری دانش‌آموزان و نیز روحیه همکاری در میان آن‌ها فراهم کند. مثال بارزتر این نوع صرف هزینه‌های کم بازده تلاش برای هوشمند کردن مدارس است. مدیری که با

بودجه مدارس محدود است؛ بله محدود است اما این ما هستیم که با نوع نگاهمان می‌توانیم آن را وسعت بخشیم و یا برعکس، آن را محدودتر کنیم

برای استفاده از باقی مانده‌های مواد غذایی برای تهیه کود مناسب و استفاده از آن برای باغچه مدرسه و یا حداقل تفکیک زباله‌ها با همکاری معلمان و دانش‌آموزان در خود مدرسه، طراحی و اجرای سیستم آبیاری قطره‌ای برای فضای سبز مدرسه با کمک دانش‌آموزان. این کارهای ساده ممکن است در ابتدا بودجه کمی نیاز داشته باشد اما اغلب پس از مدتی بودجه آن از طریق کاهش هزینه‌های جاری باز می‌گردد و این خود می‌تواند انگیزه‌ای باشد تا اعضای مدرسه بیشتر به اهمیت حفظ محیط زیست، به‌ویژه مصرف بهینه آب توجه کنند.

ایده دیگری که می‌توان در مدارس دولتی شهرهای بزرگ دنبال کرد، برقراری ارتباط با شورایاری محله، مسجد محله و فرهنگ‌سرا و دیگر اماکن فرهنگی محله است. مدیری که نگران حفاظت از محیط زیست و منابع آبی محدود کره زمین است، می‌تواند با مطرح ساختن ایده‌های خود نزد مراجع فرهنگی محله، علاوه بر استفاده از امکانات احتمالی آن‌ها، دغدغه‌های خود را نیز در سطح محله گسترش دهد و چه بسا طرح‌هایی را با همکاری دیگر مدارس نزدیک خود اجرا کند. در مراکز فرهنگی اغلب طرح‌هایی مرتبط با مشکلات جاری تهیه و تصویب می‌شود و بودجه‌هایی نیز به این امور اختصاص می‌یابد، اما مشخص است که این مراکز در بهترین حالت، حتی نیمی از دانش‌آموزان مدارس را نیز در اختیار ندارند. مشارکت مدرسه در اجرای طرح‌های مصوب این مراکز، می‌تواند علاوه بر بالا بردن بهره‌وری بودجه، به افزایش تأثیرگذاری طرح‌ها در سطح جامعه نیز کمک کند. این امر برای ایجاد احساس تعلق به محله و توجه به آن به عنوان محیطی که در آن با هم زندگی می‌کنیم و در نتیجه افزایش روحیه تعاون در نسل آینده محله نیز مفید خواهد بود.

اگر مدیران، خود را در قبال بودجه‌ای که در اختیار دارند، مسئول بدانند، قبل از اینکه تحت تأثیر تبلیغات و جو ناشی از رواج استفاده از یک محصول، ناخواسته به فرهنگ حاکم بر محیط مدرسه خود آسیب بزنند، کاری خواهند کرد که حاصلش ترویج فرهنگی شایسته‌تر برای تمام همکاران و دانش‌آموزان است. به ازای هر یک نفر که در مدرسه شما تغییر می‌کند، در واقع، به‌صورت بالقوه، یک خانواده تغییر کرده است. فرهنگ توجه به مسائل زیست‌محیطی معمولاً تا آخر عمر و تحت هر شرایطی با افراد می‌ماند و معمولاً هر فردی به‌طور اجتناب‌ناپذیر آن را ترویج می‌کند و این به معنای آن است که خیر حاصل از تصمیم به جا و درست شما در حال گسترش خواهد بود.

آبیاری باغچه‌ای در گوشه حیاط مدرسه، اضافه کردن کنترل‌کننده هوشمند به کلیدهای برق مدرسه برای جلوگیری از هدر رفتن انرژی برق، تعویض تمام لامپ‌های رشته‌ای قدیمی و خرید لامپ‌های جدید کم‌مصرف، خرید یک پرینتر جدید که به سادگی با یک برنامه‌ریزی اولیه تمام متن‌ها را به‌صورت دورو چاپ می‌کند و تنها در صورت ضرورت می‌توان به‌طور دستی چاپ یک‌رو گرفت (ممکن است پرینتر فعلی شما نیز چنین امکانی را داشته باشد و صرفاً بتوان با تغییر حالت پیش‌فرض از هدر رفتن مقدار قابل توجهی کاغذ در طی سال جلوگیری کرد)، برنامه‌ریزی برای استفاده از کاغذهای باطله و یک‌رو سفید در مدرسه و نیز طرح ایده‌هایی برای بازیافت و استفاده دوباره از کاغذ و دیگر زباله‌های قابل بازیافت، برنامه‌ریزی

کافی است در همان لحظه‌ای که تصمیم می‌گیریم بودجه محدود مدرسه را صرف خرید امکاناتی برای بخشی از دانش‌آموزان مدرسه کنیم، فکر کنیم چگونه می‌شود همان بودجه را طوری هزینه کنیم که برای کل دانش‌آموزان مدرسه مفید باشد